

## پیش‌نیازها و پیش‌شرط‌های صلح پایدار در اندیشه شهید وحدت ملی



بنیاد اندیشه  
مصطفی شفیق  
تأسیس ۱۳۹۴

### چکیده

مفهوم و اندیشه صلح، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نیازهای بشر در طول تاریخ، همواره کانون توجه و معرکه آرای فیلسوفان و متفکران بوده است. یکی از طرح‌هایی که بر پایه انسان‌محوری محض در عصر مدرنیته مطرح شد و محرک بسیاری از گام‌های آغازین در عرصه صلح بین‌المللی تلقی شد، طرح صلح پایدار کانت است؛ بنابراین، برقراری صلح و امنیت بین‌المللی از کهن‌ترین آرمان‌های بشر بوده است. صلح و امنیت، مفهوم ثابتی نداشته و مفهوم آن‌ها با گذشت زمان دچار تغییر و تحول شده است. تا قبل از تحولات اخیر در روابط بین‌المللی، منبعث از نگاه نظامی که اصطلاحاً نظام وستفالیایی نامیده می‌شود، صلح و امنیت به معنای رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، رعایت مصونیت کشورها و نمایندگان آنان، احترام به تمامیت ارضی کشورها، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات تلقی می‌شد؛ اما جهانی شدن سبب تغییر مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی منبعث از نظام وستفالیایی شده است؛ بنابراین، تغییرات و تحولات در مفاهیم صلح و امنیت بین‌المللی، جهانی شدن در ابعاد گسترده آن به صورت طبیعی در کشورهای دچار جنگ و منازعات قومی داخلی سرایت می‌کند و صلح و امنیت چنین کشورهایی متأثر از صلح و امنیت بین‌المللی است، جنگ و صلح افغانستان هم از همین قاعده پیروی می‌کند و مستثنا نیست.

از این منظر، عناصر صلح عادلانه و پایدار در اندیشه شهید مزاری را با تفسیر عدالت اجتماعی، انصاف، اندیشه و قضاوت منطقی، رعایت حقوق همه اقوام، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی و اجتماعی، برای سرزوشست جمعی و حیات سیاسی، داشتن اراده برای ایجاد تحقق صلح، از خودگذری، مدارای اجتماعی و کرامت انسانی تشکیل می‌دهد، می‌توان تحلیل و ارزیابی کرد. در این نوشتار تلاش شده است تا با استفاده از پیش‌نیازها و پیش‌شرط‌های اساسی و ارکان اصلی صلح پایدار که کانت به عنوان عبور از جنگ‌ها و بحران‌ها و منازعات بین‌المللی و داخلی طراحی کرده مورد بررسی بگیرد. گفتمان تحقق صلح عادلانه و پایدار و ارزش‌هایی مانند نظام جمهوری، قانون اساسی، حقوق بشر، حقوق همه اقوام و حقوق شهروندی را که شهید مزاری به عنوان بنیادهای تحقق صلح عادلانه و پایدار در جامعه افغانستان به رسمیت شناخته و تنها راه حل عبور از بحران‌ها می‌داند و تنها راه رسیدن به صلح عادلانه و پایدار را در گفتمان تحقق صلح، با رویکرد عدالت اجتماعی، گفت‌وگو و احترام گذاشتن به دیدگاه همه اقوام ساکن در افغانستان می‌داند.

**واژگان کلیدی:** صلح پایدار، کانت، امنیت بین‌المللی، شهید مزاری، گفت‌وگو و مفاهیم، حقوق شهروندی، برابری و عدالت اجتماعی.

## طرح مسئله

داشته باشد که در آن آمار مرگ و میر برای قتل‌های سازمان یافته و دسته‌جمعی، رقمی بسیار پایین یا در حد صفر باشد. در فرهنگ سیاسی، صلح به معنای حالت آرامش در روابط عادی میان کشورها و نبود کشمکش فیزیکی میان آن‌ها تعریف می‌شود. روابط نیک و به دور از جنگ در روابط میان کشورها با وجود نظام‌های متفاوت سیاسی، به معنای رعایت اصول حاکمیت، تساوی حقوق، مصونیت و اصل عدم مداخله کشورها در امور یکدیگر، از مسائلی است که می‌تواند موجب صلح در میان کشورها شود (علیزاده، ۱۳۹۸: ۲۳۵)؛ بنابراین، در تعریف و تفسیر عناصر سازنده اساسی و بنیادین تحقق صلح پایدار؛ مفاهیم و عناصر دیگری مانند نهادینه‌سازی فرهنگ دموکراسی، جمهوری‌نظام، قانون اساسی و حقوق شهروندی و پذیرش تکثرگرایی سیاسی و قومی، جزء پیش‌نیازها و پیش‌شرط‌های صلح پایدار می‌باشند.

صلح اصطلاحی است که در روابط بین‌الملل کاربرد زیادی دارد. اگر میان جوامع و کشورها تضاد و کشمکش وجود داشته باشد یا در درون جوامع تضاد و اختلاف موجود باشد، به این معناست که صلحی وجود ندارد؛ اما اگر این اختلافات و کشمکش‌ها که موجب قتل افراد می‌شود پایان یافت و مخاصمات جایش را به دوستی و همکاری فعال داد، به شرایط جدید، شرایط صلح‌آمیز تلقی می‌شود. عده‌ای نیز عقیده دارند که صلح واقعی زمانی شکل می‌گیرد که در یک جامعه یا در روابط میان جوامع و کشورها آرامش واقعی و حقیقی وجود داشته باشد (علی بابایی، ۱۳۷۷: ۷۴). طبق دیدگاه برخی، صلح به شرایطی گفته می‌شود که در آن خبری از خشونت و جنگ نباشد. تعریف و تعیین حدود صلح، مانند تعریف و تعیین حدود جنگ، در طول تاریخ مباحث متعددی را به دنبال داشته است. افرادی مانند گاستون بوتول که در زمینه جنگ و صلح مطالعات زیادی انجام داده است، تلاش کرده است تا تعریفی از صلح به دست می‌دهد که اساس آن بر ملاک‌های غیر قابل انکار، یعنی معیارهای آماری، قرار داشته باشد؛ تعریف‌هایی که تمام بحث‌های کیفیتی مدنظر قرار گرفته است و تمامی جنبه‌های شکل‌گیری صلح از قبیل ملاحظات شخصی، اخلاقی، فلسفی، سیاسی و اجتماعی و دینی در آن مدنظر قرار گرفته است.

صلح عبارت از وضعیتی است که در یک جامعه وجود

حکومت دموکراتیک، تکوین است. جوهر این اصول و مبانی را می‌توان در اصالت برابری انسان‌ها، اصالت فرد، اصالت قانون، اصالت حاکمیت مردم و تأکید بر حقوق طبیعی، مدنی و سیاسی انسان‌ها یافت.

منظور از اصالت برابری این است که در دموکراسی افراد، گروه‌ها و طبقات مردم نسبت به یکدیگر از لحاظ حق حکومت کردن، برتری و امتیازی ندارند. حق حکومت برای همیشه به هیچ فرد یا گروهی واگذار نشده و هیچ گروهی نمی‌تواند به عنوان برتری فکری یا ذاتی بر دیگران حکومت کند. مشروعیت قدرت تنها بر رضایت مردم در پیروی از حکومت مبتنی است. در دموکراسی فرض بر این است که مردم نه به حکم ترس و اجبار، بلکه از روی رضایت از حکومت پیروی می‌کنند و سازوکارهایی برای تضمین این رضایت وجود دارد. اصالت فرد به این معنی است که انسان اصولاً موجودی خردمند به شمار می‌رود و از این رو باید در تشخیص مصلحت فردی خود، در حدود نظام اجتماعی آزاد و خودمختار باشد (بشیریه، ۱۳۸۵: ۲۴۴).

### ۱. پیش‌نیازها و پیش‌شرط‌های صلح پایدار؛ مقدمه‌ای برای عبور از جنگ و منازعه

در عرصه سیاست، به عنوان شاخه‌ای از علم اخلاق از دیدگاه کانت، انسان اخلاقی جای خود را به انسان حقوقی می‌دهد و فلسفه حق، جایگزین فلسفه اخلاق می‌شود. در پیوند و تأثیر متقابل اخلاق و حق، کانت مفهوم اخلاق را به اندیشه آزادی ارجاع می‌دهد؛ بنابراین، نتیجه‌ای که در بررسی این پیوند حاصل می‌شود، این است که آزادی هر فرد نباید در خارج مانع آزادی دیگران شود. برای حفظ حقوق همگان، دولت به عنوان عامل نظام بخشی بیرونی وارد عرصه می‌شود و قانون وضع می‌کند تا تأثیر پایدار طبیعت انسان‌ها را که منجر به تعارض منافع و جدال آن‌ها می‌شود، تعدیل کند. طبیعتی که اگر وجود نداشت و در نتیجه، همه انسان‌ها، اخلاقی بودند، اصولاً نیازی به این نظام بخشی بیرونی وجود نداشت، یعنی در واقع، همه به صلح پایدار دست یافته بودند (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۱). قانون عادلانه در شرایطی محقق

می‌شود که همه اعضای جامعه، واجد حداکثر آزادی نسبت به دیگران باشند؛ اما پس از طرح این مقدمات، در سطح بین‌المللی از دیدگاه کانت، هر دولتی باید با دولت دیگر به گونه‌ای رفتار کند که دوست دارد با وی به همان نحو برخورد شود؛ یعنی همان چیزی که در رابطه با افراد، آن را «بایسته قطعی» می‌خواند.

وجود این بایسته درونی که افراد را به سمت تشکیل جامعه مدنی سوق می‌دهد، دولت‌ها را نیز به سمت فدراسیون بین‌المللی یا مجمعی از دولت‌ها در قالب جمهوری جهانی سوق خواهد داد. تشکیل این فدراسیون به نظر کانت، منجر به صلح پایدار خواهد شد. دولت‌ها به این فدراسیون بین‌المللی می‌پیوندند تا بی‌قانونی و پرخاشگری گذشته خود را پشت سر گذاشته و به ثبات و امنیت دست یابند. در سطح بین‌المللی، قانون توسط دولت‌های آزاد مشروعیت پیدا می‌کند. تمدن حقیقی جز با کنار گذاشتن اندیشه جنگ امکان‌پذیر نیست. در نظر کانت، تحول از حالت طبیعی جنگ به حالت طبیعی صلح در میان انسان‌ها، پس از طی مراحل رخ می‌دهد که کانت به طور مشخص در رساله صلح پایدار خود به آن‌ها می‌پردازد. کانت در رساله کم‌حجم، ولی بسیار پراهمیت صلح پایدار درصدد ارائه طرحی ماندگار برای اتحاد ملل برای ایجاد و پاسداری از صلح در سطح جهان و در نتیجه، سوق دادن جامعه جهانی به سوی جمهوری جهانی است.

کانت اصولاً جنگ را بزرگ‌ترین شری می‌داند که ممکن است دامن بشریت را بگیرد. از این رو، در این اثر تلاش کرده است طرحی ارائه کند که منجر به از بین بردن این شر بزرگ شود. کانت در پیش‌شرط‌های مقدماتی به دنبال تعلیق هر چه بیش‌تر جنگ‌ها و درگیری‌ها است؛ ولی از آنجا که تعلیق صرف جنگ، به خودی خود ضامن بقای صلح نیست، در ادامه به بیان ارکان اصلی صلح پایدار می‌پردازد که تحقق آن‌ها منجر به نهادینه شدن صلح می‌شود (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

برای برقراری «صلح پایدار» شش پیش‌شرط دارد که عبارت‌اند از:

۱. برای صیانت از صلح واقعی، هیچ پیمان صلحی که در آن، به طور ضمنی دستاویزی برای جنگ در آینده باشد، معتبر نخواهد بود.
۲. هیچ کشوری نباید از راه وراثت و مانند آن، تحت مالکیت کشور دیگری درآمده و استقلال و حاکمیت هیچ دولتی نباید نابود شود.
۳. ارتش‌های ثابت و نیروهای مسلح زیر پرچم باید به تدریج کاملاً برجیده شوند؛ به عبارت دیگر، رقابت‌های نظام‌گرایانه و تسلیحاتی ممنوع است.
۴. مقروض شدن یک دولت به خاطر ثروت‌تمند کردن دولت دیگر ممنوع است.
۵. هیچ کشوری حق دخالت خشونت‌آمیز در امور سایر کشورها را ندارد.
۶. هنگام جنگ، دست زدن به اقداماتی همانند شکستن پیمان و تحریک اتباع که صلح را دشوار و ناممکن می‌سازد، ممنوع است. شرط اولیه رعایت این نکات شش‌گانه این است که به طور کلی حداقل قصد و نیت دولت‌ها باید بر الزام اخلاقی مبتنی باشد.

## ۲. ارکان اصلی صلح پایدار؛ به مثابه زیست انسانی در جامعه

صلح، حالتی است که در آن، جنگ حکم فرما نباشد. صلح تا قبل از تأسیس ملل متحد در روابط بین‌المللی نیز همین مفهوم را داشت. لکن ملل متحد، مفهوم آن را وسعت داده و به عنوان «نهاد یک نظم بین‌المللی مبتنی بر عدالت» تلقی کرده است؛ بنابراین، از این دیدگاه دیگر، صرفاً فقدان جنگ به معنای برقراری و تداوم صلح نیست بلکه انجام هر عملی که در تعارض با عدالت باشد ممکن است سبب تهدید صلح و نقض آن شود. این دیدگاه پس از پایان جنگ سرد قوام یافت. سران اعضای شورای امنیت در اعلامیه‌ای که در پایان نشست خود در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ اعلام کردند امروز دیگر فقدان جنگ و مخاصمه مسلحانه میان دولت‌ها به مفهوم وجود صلح و امنیت بین‌المللی نیست.

عدم ثبات و پایداری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی

و سیاسی و نقض حقوق بشر نیز تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی به حساب می‌آید. از این منظر، جهانی شدن سبب تغییر مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی منبث از نظام وستفالیایی شده است. در این دوره ماهیت تهدیدات تغییر یافته و تهدیدات از جنبه نظامی به حوزه‌های دیگر از جمله فقر و گرسنگی، تروریسم، قاچاق و جرائم سازمان یافته، شیوع بیماری‌های مسری، مهاجرت‌های بی‌رویه، محیط زیست و نقض حقوق بشر تسری یافته است؛ بنابراین، دیگر صرفاً دولت‌ها منشأ تهدید تلقی نمی‌شوند، بلکه ممکن است کل جامعه بشری اعم از افراد، نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها سبب بروز تهدیدات تلقی شوند. باری بوزان تهدیدات امنیتی را در پنج بعد مورد بررسی قرار داده است:

### ۱. تهدیدات سیاسی

از نظریه تهدیدات سیاسی در سطح داخلی ناظر به مسائلی چون فقدان دموکراسی و بی‌ثباتی حکومت‌هاست. در سطح بین‌المللی نیز ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل ایجاد کننده تهدیدات تلقی می‌شوند.

### ۲. تهدیدات اقتصادی

وی معتقد است فقر و توسعه نیافتگی مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی است که در بسیاری از موارد، سوء مدیریت نظام سیاسی داخلی آن را تشدید می‌کند.

### ۳. تهدیدات اجتماعی

وی می‌گوید که تهدیدات اجتماعی و فرهنگی غالباً ریشه در عوامل اقتصادی دارد. معضلاتی چون مهاجرت‌های بی‌رویه غیرقانونی، بی‌سوادی، مواد مخدر و جرائم سازمان یافته، چالش‌هایی هستند که می‌توانند سبب بروز ناامنی و تهدید صلح شوند.

### ۴. تهدیدات نظامی

تهدیدات نظامی از قدیم‌الایام به عنوان تهدید بر صلح و امنیت بین‌المللی مطرح بوده‌اند. امروزه تولید و تکثیر سلاح‌های

کشتار جمعی و اختلافات ارضی کشورها با یکدیگر نیز به این تهدیدات افزوده شده است.

## ۵. تهدیدات زیست محیطی

از نظری، گرم شدن کره زمین، سوراخ شدن لایه اوزون و تغییرات آب و هوایی، از بین رفتن تدریجی جنگل‌ها خصوصاً جنگل‌های بارانی، بروز خشک‌سالی و کم شدن آب شیرین، آلودگی رودخانه‌ها که انسان، عامل مستقیم و غیر مستقیم بسیاری از آن‌هاست، تهدیداتی است که ممکن است در آینده نه‌چندان دور، سبب تهدیدات نظامی نیز بشود. با این دیدگاه، صلح مساوی با عدم برخورد نظامی نیست، بلکه فقر، گرسنگی، تبعیض، فقدان دموکراسی، حکومت ناکارآمد، نقض حقوق بشر به عنوان زمینه‌ساز تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شوند (اشرفی، ۱۳۹۳: ۸۸).

کانت، برای غالب شدن بر جنگ و منازعه و تهدیدات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی و برای برقراری صلح پایدار علاوه بر شش پیش شرط ارائه شده و التزام دولت‌ها به رعایت آن، کانت سه رکن بنیادین را در تحقق صلح پایدار، بر این پیش شرط‌ها می‌افزاید. این ارکان عبارت‌اند از:

۱. قانون اساسی شهروندی در هر کشور، می‌بایست جمهوری باشد.
۲. حقوق ملت‌ها می‌بایست بر شالوده فدرالیستی از دولت‌های آزاد استوار شود.
۳. حق جهان شهری، به شرایط میزبانی یا مهمان‌نوازی جهانی محدود است.

از دیدگاه کانت، «حکومت جمهوری»، نوع حکومتی است که در آن قانون، محور زندگی انسان‌هاست. این نوع حکومت، صلح پایدار جهانی را تضمین می‌کند. ایجاد حکومت جمهوری بر اساس قانون اساسی، حاکی از این است که افراد به حکم عقل عملی خود، یک قرارداد اجتماعی را پذیرفته‌اند. این نظام تبلور اراده عمومی همگان است. جمهوری بر سه بنیاد استوار است:

۱. اصل آزادی برای تمام اعضای جامعه به عنوان انسان؛
۲. تعلق همه افراد به یک قانون واحد به عنوان اتباع؛

۳. اصل برابری قانونی برای هر فرد به عنوان شهروند.

بنابراین، رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی مبتنی بر تعلق سیاسی به دولت، هردو از بنیان‌های نظام جمهوری به شمار می‌آیند (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

## ۳. امکان‌ها و زمینه‌های صلح پایدار در اندیشه شهید مزاری

صلح پایدار کانت مبتنی بر احترام به آزادی و استوار شده بر ارزش تکررگویی، رأی همگانی و رویکرد دموکراتیک است و به همین جهت، به این مفهوم «صلح دموکراتیک» نیز اطلاق می‌شود و می‌توان «صلح عادلانه» نیز به آن اطلاق کرد. مبانی صلح پایدار عبارت‌اند از: عدالت‌خواهی، مهرورزی، امنیت، آسایش فردی و اجتماعی، آرامش فکری زمامداران، جلوگیری از خون‌ریزی و فساد، آرامش خاطر نیروهای رزمی، فراهم شدن فضای سالم فرهنگی، گسترش آزادی‌های اساسی، تضارب آرا و افکار برای رشد علمی و فلسفی و رشد صنعت و اقتصاد. در افغانستان، مفهوم صلح پایدار بیش‌تر در ادبیات رئیس‌جمهور محمد اشرف غنی در طول یک سال اخیر به کار گرفته شده است که بیش‌تر در واکنش به عناصر طرح اولیه صلح زلمی خلیلزاد، از جمله بحث تشکیل دولت موقت و عجله این نماینده ایالات متحده در باب سازش با طالبان، بوده است.

تأسیس برای این اساس، منظور محمد اشرف غنی از صلح پایدار، نقطه مقابل صلح گذرا با عجله و شتاب‌زدگی است که در آن تدبیری برای تضمین دوام صلح نسنجیده نشده باشد یا زمینه‌های جنگ همچنان باقی باشد. به زعم محمد اشرف غنی، صلحی که با شتاب و بدون محاسبه دقیق و ارزیابی جوانب گوناگون قضیه صورت گیرد و به خاطر نادیده گرفتن شرایط لازم، پس از مدتی بحران جدی‌تری دیگر یا تداوم بحران موجود را در پی خواهد داشت، چنان‌که طرح «بنان سوان» که برای مصالحه میان مجاهدین و دولت کمونیستی کابل در ابتدای دهه هفتاد مطرح شد، نتوانست صلح پایدار و ثبات سیاسی را برای جامعه افغانی به ارمغان آورد (شفق خواتی، ۱۳۹۸: ۳۰).

بنابراین، امکان‌ها و زمینه‌های صلح پایدار در افغانستان،

با رویکرد و نگاه برابری و برادری، پذیرش حقوق اقوام ساکن در افغانستان، ارزش‌های حقوق بشری، تأمین حقوق شهروندی، نفی انحصارگرایی، عدالت اجتماعی و ارج گذاشتن به کرامت انسانی، عدم تبعیض و سایر مسائلی بنیادین که شهید وحدت ملی، به این مفاهیم و عناصر تشکیل دهنده صلح پایدار، معتقد و باورمند بود و در تمامی سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خویش بارها تأکید و تکرار کرد و تا بستر صلح پایدار را با گفت‌وگوهای بین‌افغانی فرهنگ‌سازی و نهادینه کند.

### ۱.۳. به رسمیت شناختن حقوق همه اقوام و ملت‌ها؛ زمینه‌ساز صلح پایدار در جامعه افغانی

در مقدمه قانون اساسی بعد از ایمان و توکل به خدا و باور به دین اسلام، در بخش‌های آن چنین مقرر شده است:

«ما مردم افغانستان با درک بی‌عدالتی‌ها و نابسامانی‌های گذشته و مصائب بی‌شماری که بر کشور ما وارد آمده است؛ با تقدیر از فداکاری‌ها، مبارزات تاریخی، جهاد و مقاومت برحق تمام مردم افغانستان و ارج گذاری به مقام والای شهدای راه آزادی کشور؛ با درک این‌که افغانستان واحد و یکپارچه به همه اقوام و مردم این سرزمین تعلق دارد؛ با رعایت منشور ملل متحد و با احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ به منظور تحکیم وحدت ملی و حراست از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور؛ به منظور تأسیس نظام متکی بر اراده مردم و دموکراسی؛ به منظور ایجاد جامعه مدنی عاری از ظلم، استبداد، تبعیض و خشونت و مبتنی بر قانون‌مندی، عدالت اجتماعی، حفظ و کرامت و حقوق انسانی و تأمین آزادی‌ها و حقوق اساسی مردم؛ به منظور تقویت بنیادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دفاعی کشور؛ به منظور تأمین زندگی مرفه و محیط زیست سالم برای همه ساکنان این سرزمین و سرانجام، به منظور تثبیت جایگاه شایسته افغانستان در خانواده بین‌المللی؛ این قانون اساسی را مطابق به واقعیت‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی کشور و مقتضیات عصر، از طریق نمایندگان منتخب خود در لوی جرگه مورخ چهاردهم جدی سال یک هزار و سه صد و هشتاد و دو هجری شمسی در شهر کابل تصویب کردیم. قانون اساسی، ۱۳۸۲؛ مقدمه»

در ماده ششم و هفتم نیز قانون اساسی کشور آمده است: «دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می‌باشد. دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین‌الدول، میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می‌کند. دولت هر از نوع اعمال تروریستی، زرع و قاچاق مواد مخدر و تولید و استعمال مسکرات جلوگیری می‌کند.»

همچنین در مواد بیست و دوم، بیست و سوم و بیست و چهارم قانون اساسی چنین آمده است: «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد، در برابر قانون، دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند. زندگی موهبتی الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانونی از حق محروم نمی‌شود. آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می‌شود، حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشد.» بنابراین، در کشور چند قومی، صلح عادلانه وقتی امکان پذیر است که حقوق همه اقوام به تناسب موجودیت واقعی شان به رسمیت شناخته و رعایت شود. شهید مزاری به صورت مکرر این مسئله را بیان داشته و از جمله در سخنرانی خزان سال ۱۳۷۱ در این مورد چنین بیان داشته است: «ما مردم افغانستانیم. هیچ نژادی را نمی‌خواهیم نفی کنیم. در افغانستان همه اقوام ساکن بیایند برادروار زندگی کنند و هرکس به حقوق شان برسند و هرکس درباره سرنوشت خودش تصمیم بگیرد. اگر کسی بیایند نژاد (قوم) خود را حاکم بسازد و دیگران را نفی بکند، این فاشیستی است. این خلاف رسوم بین‌المللی است.» شهید مزاری در جای دیگر، در یکی از سخنرانی‌های خود، بیان می‌دارد که «همه ملیت‌های ساکن در افغانستان باهم برادرند و دارای حقوق مساوی می‌باشند و وحدت ملی در افغانستان یک اصل است که لازم



نداشته باشد، بیان می‌کند که «امروز تمدن بشری و مجامع بین‌المللی، یک سلسله اصول و ضوابطی را به عنوان حقوق بشر مورد توافق قرار داده است. این توافق روی تحقیق، تجربه، بینش و تلاش‌های تعدادی از دانشمندان جهانی که برای نجات جامعه بشری می‌اندیشیده‌اند، صورت گرفته و به وجود آمده است. مخالفت با حقوق بشر از حرکت پویای مکتب اسلام به دور است. لذا ما باید از تجربیات بشری و مجامع بین‌المللی کمک بگیریم و از چیزهایی هم که مخالف صریح اصول اسلام‌اند، اجتناب کنیم و نگذاریم در اداره آینده کشور راه پیدا کند.»

شهید مزاری از حقوق زنان نیز در همان سمینار حمایت کرده بیان داشت: «در افغانستان باید حقوق همه مردم اعم از زن و مرد و پیرو جوان رعایت شود. نصف این جامعه رازن‌ها تشکیل می‌دهند و حق دارند که در تعیین سرنوشت آینده‌شان شرکت کنند و تصمیم بگیرند.» (برهانی، ۱۳۹۸: ۱۸۵)؛ بنابراین، شهید مزاری معتقد بود که استقرار صلح پایدار و دائمی زمانی در افغانستان محقق می‌شوند که جریان‌ها، احزاب سیاسی، اقوام و مذاهب مختلف با حقوق برابر و مساوی کنار یکدیگر در تمام تصمیم‌گیری‌ها مشارکت معنادار داشته باشند، زیرا به رسمیت شناختن حقوق شهروندی همه شهروندان افغانستان؛ مستلزم رعایت حقوق بیشتر در ابعاد گسترده جهانی آن می‌باشند و تحقق صلح عادلانه و پایدار و ختم جنگ و منازعه طولانی مدت بدون در نظر داشت حقوق همه اقوام ساکن در افغانستان عملی و امکان‌پذیر نیست.

#### ۴. مکانیسم‌های تکوین صلح پایدار در اندیشه شهید مزاری

مفهوم و اندیشه صلح، آشتی و زندگی مسالمت‌آمیز در طول تاریخ از جمله خواسته‌های انسان بوده است. بشر به صلح اجتماعی و امنیت نیاز دارد و تهدید صلح، تهدید جامعه بشری است؛ زیرا جنگ که از تهدید صلح به وجود می‌آید، همواره بشر را به سوی نابودی سوق داده و جامعه بشری را از پیشرفت و تکامل باز داشته است. افغانستان در طی چهل

است خود مردم در این باره تصمیم بگیرند و سرنوشت خود را تعیین کرده و از دودستگی و تجزیه طلبی اجتناب ورزد.» (برهانی، ۱۳۹۸: ۱۴۸). از منظر حقوق بشری؛ نگاه شهید مزاری به تحقق صلح پایدار و عادلانه در جامعه افغانی، نگاه کاملاً انسانی است و استقرار صلح را یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشری و حقوق انسانی می‌داند و احترام گذاشتن به زیست انسانی به دور از تبعیض و خشونت را یک اصل انسانی و پذیرش تکثر و تنوع اقوام و مذاهب را جزء مدارای اجتماعی و پلورالیسم سیاسی در جامعه چند قومی و مذهبی می‌داند.

#### ۲.۳. احترام و رعایت حقوق بشر و حقوق زنان؛ بنیادی برای صلح پایدار در جامعه انسانی

با توجه به اصولی که در منشور ملل متحد اعلام شده است، شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشر، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است، نظر به این که حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است. با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد، بهره‌مندی از آزادی سیاسی، مدنی و رهایی از ترس می‌باشد و دستیابی به این شرایط فقط به وسیله بهره‌مندی هرکس از حقوق سیاسی و مدنی خود و نیز حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میسر است.

با توجه به منشور ملل متحد، دولت‌ها متعهد بر رعایت و احترام به حقوق و آزادی‌های انسان و ترویج آن‌ها در سراسر جهان می‌باشند، با درک این حقیقت که افراد نسبت به یکدیگر و اجتماعی که بدان تعلق دارند دارای مسئولیت در جهت اعتلا و ترویج رعایت حقوق شناخته شده مندرج در این میثاق می‌باشند. (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶، مقدمه)؛ بنابراین، یکی از مواردی که مورد توجه شهید مزاری بوده است، در کنار رعایت حقوق اقوام ملیت‌های ساکن در افغانستان، رعایت و به رسمیت شناختن حقوق بشر و حقوق زنان در افغانستان است.

شهید مزاری در سمینار بررسی مسائل افغانستان، مسئله حقوق بشر و حقوق زنان را یادآوری کرده و از آن در چارچوب شریعت و اسلام در صورتی که مخالف با اصول اسلام

سال جنگ، خسارات زیادی را متحمل شده است و آسیب‌های زیادی را دیده است. زیرساخت‌های اقتصادی و شهری کشور بر اثر جنگ از بین رفته و صدها هزار نفر کشته، مجروح، معلول و میلیون‌ها نفر هم مهاجر و آواره شدند. در کنار این آسیب‌ها، مردم افغانستان از نظر اخلاقی و روانی نیز آسیب جدی دیدند که سال‌ها وقت لازم است تا خسارت‌های قابل جبران آن، جبران شوند؛ بنابراین، ضرورت بنیاد نهادن زیربنای تحقق صلح پایدار و عادلانه در کشور بیش از هر زمانی دیگر احساس می‌شود؛ زیرا استقرار صلح پایدار، جزء خواسته‌های همه اقوام و مردم افغانستان است.

نخبگان دلسوز، جامعه مدنی، نخبگان دینی و مصلحان بزرگ اجتماعی و سیاسی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی همه وظیفه دارند که تلاش کنند تا اندیشه صلح عادلانه را به یک خواست عمومی؛ مردمی و به یک گفتمان مسلط و غالب در افغانستان کنونی تبدیل کنند (برهانی، ۱۳۹۸: ۱۷۷). یکی از عوامل مؤثر بر اندیشه صلح عادلانه و پایدار شهید مزاری، بررسی و تحلیل تاریخ پراز ستم و تبعیض کشور بوده است. ستم‌هایی چون: تبعیض، نادیده گرفتن شایستگی‌ها، توزیع ناعادلانه فرصت‌ها و امکانات، تقسیمات ناعادلانه اداری، نادیده گرفتن میزان نفوس، غصب سرزمین، مالیات سنگین، کشتار دسته‌جمعی و نسل‌کشی مکرر قوم خاص، برخوردار نبودن از حق برگزاری مناسک مذهبی، تحقیر، توهین و... باعث شد تا شهید مزاری برای آینده کشور گفتمان عدالت اجتماعی و عدالت خواهی را ترویج و شعار صلح عادلانه را فریاد کشد.

#### ۱.۴. ارج گذاری به عزت و کرامت انسانی؛ پیش درآمد صلح عادلانه و پایدار

اولین و مهم‌ترین مؤلفه و عنصر کلیدی که در تحقق صلح عادلانه مطرح است، صلح عزت‌مندانه است. صلحی ارزش دارد که در آن کرامت انسانی قوم و ملتی حفظ و حقوق شهروندی آن مدنظر باشد. اگر صلحی به قیمت ذلت و خواری قومی به دست آید، این صلح نوعی تسلیم و برده‌داری است که به هیچ وجه از مصادیق صلح عادلانه شمرده

نمی‌شود. صلح، امنیت، عدالت و حفظ کرامت انسانی جزء حقوق اولیه و ذاتی بشر است. هیچ‌کس و به هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند این حق را از ابنای بشر صلح سلب کند؛ اما در عمل کرامت انسانی آسیب‌های زیادی دیده است.

در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین آمده است: از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد. از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای شده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده، آزاد و از ترس و فقر، فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است. از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نشود. از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بین الملل را مورد تشویق قرار داد. از آنجا که مردم ملل متحد، باور خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق زن و مرد مجدداً در منشور، اعلام کرده‌اند و تصمیم راسخ گرفته‌اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیط آزاد، وضع زندگی بهتر به وجود آورند. از آنجا که دول عضو متعهد شده‌اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند. از آنجا که حس تفاهم مشترکی نسبت به این حقوق و آزادی‌ها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد. مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً مدنظر داشته باشند و مجاهدت کنند که به وسیله تعلیم و تربیت، احترام به این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین‌المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آن‌ها چه در میان خود ملل عضو چه در بین مردم کشورهای که در قلمرو آن‌ها می‌باشند تأمین شود.

در افغانستان بیش از هر کشوری در حق شهروندان افغانستانی ستم روا داشته شده و عزت و کرامت آن‌ها پامال



کشورهای مستعمره و تحت قیمومیت، باید در تحقق حق خودمختاری و احترام به این حق، طبق مقررات منشور ملل متحد، سرعت بخشند. حق زندگی، یکی از حقوق فطری و طبیعی انسان و پایه تمام حقوق انسانی او به شمار می‌رود؛ چه این که همه حقوق استوار و بسته به وجود خود شخص است و بدون او مفهومی ندارد. زندگی موهبتی است که خداوند آن را به بشر ارزانی داشته است، هیچ حکومتی، نمی‌تواند این حق را از فرد سلب کند یا آسیبی به جسم و روح او وارد آورد. بلکه حکومتی مکلف است که در صیانت و حمایت از جان و زندگی آن بکوشد و این، از وظایف اصلی حکومت بوده و بقای هر جامعه و اساس امنیت ملی و بین‌المللی، وابسته به آن و فلسفه‌ای وضع و تصویب تمام قوانین جزایی در دنیا نیز، صیانت و حمایت از زندگی انسان‌ها و مسائل مربوط به آن است (دانش، ۱۳۹۴: ۵۳۹)؛

بنابراین، در مسائل کلان سیاسی که اغلب نخبگان سیاسی و اجتماعی نقش برجسته دارند، با اراده جدی خود می‌توانند در جامعه جنگ‌زده‌ای چون افغانستان، صلح ایجاد کنند و با پایبندی به مفاد صلح از طریق گفت‌وگو و جست‌وجوی راه‌حل منطقی، به نزاع‌ها پایان داده، زندگی مسالمت‌آمیز را برای شهروندان به ارمغان آورند. شهید مزاری در یکی از سخنرانی‌های خود درباره افشار به موضوع اراده تأسیس جدی‌اش برای آوردن صلح پایبندی به آن این‌گونه بیان داشته است: ما هرچند انتظار داشتیم که همان‌گونه که در جنگ‌هایی که بالای ما تحمیل شده بود طرف بودیم، در صلح هم باید طرف قضیه می‌بودیم. به هر حال، مقدمات این توافق‌نامه صلح در داخل افغانستان فراهم شد و ما آن را به خاطر مصالح کشور و مصالح مردم افغانستان و مصالح خودمان که در تاریخ متهم نباشیم که ما مانع صلح شدیم و ما جنگ طلب بودیم، این توافق‌نامه صلح را قبول کردیم. ما توافق‌نامه صلح را امضا کردیم و در پای امضای خود ایستادیم و تا حالا هم رد نکرده‌ایم و آتش‌بس را رعایت کرده‌ایم؛ اما جانب مقابل که خود را دولت قانونی این کشور می‌داند، به توافق‌نامه صلح عمل نکرده و آتش‌بس را رعایت نکرده و به تعهدات خود عمل نکردند. صلح با همه اهمیت‌ها که دارد،

شده است. شهید مزاری، دودستگی، جنگ و اختلاف قومی را باعث سرافکنندگی و اتحاد و رسیدن به توافقی که در آن حقوق اقوام و ملیت‌ها رعایت شود را باعث عزت می‌داند. شهید مزاری در یکی از سخنرانی‌های خود بیان داشت: جنگ و جهاد افغانستان در برابر قدرت شرق و شکست دادن آن باعث افتخار و عزت برای مردم و جهان اسلام شد؛ اما جنگ‌های داخلی و ناتوانی در امر حکومت‌داری و ایجاد صلح باعث خجالتی و سرشکستگی ما شد (برهانی، ۱۳۹۸: ۱۷۹). از این منظر، شهید مزاری بنیادها و پیش شرط‌های تحقق صلح پایدار و دائمی را وابسته و نیازمند به ارج‌گذاری و احترام گذاشتن به کرامت ذاتی انسان‌ها می‌داند؛ زیرا فلسفه وجودی استقرار صلح پایدار در جامعه بشری، برای زیست انسانی و حیات سیاسی، عاری از خشونت و تبعیض و با رعایت تمام موازین و مقررات بین‌المللی و قوانین حقوق بشری، قابل دستیابی، امکان‌پذیر و عملیاتی است.

## ۲.۴. ایجاد اراده صلح عادلانه و پایدار؛ تعهد به پیمان‌نامه‌ها و معاهدات بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده استقرار صلح پایدار، داشتن اراده برای ایجاد صلح و پایبندی به رعایت مفاد آن است. بدون شک، اراده بشر به نقش برجسته در سعادت و شقاوت وی دارد. بشر مختار قادر است سرنوشت جمعی خود را مانند سرنوشت فردی‌اش رقم بزنند و تصمیم بگیرند تا نوع زندگی خود را در جامعه انتخاب کنند. در ماده یکم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی چنین آمده است که: ۱. تمام ملت‌ها حق خودمختاری دارند. به واسطه این حق، آن‌ها وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه فرهنگی خود را آزادانه تعیین می‌کنند. ۲. تمام ملت‌ها می‌توانند برای اهداف خود، بدون لطمه زدن به تعهدات ناشی از همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی که بر مبنای اصول سود متقابل و حقوق بین‌المللی، آزادانه منعقد شده است، ثروت‌ها و منابع طبیعی‌شان را مصرف کنند. در هیچ موردی نمی‌توان ملتی را از وسایل امرار معاش خود محروم کرد. ۳. دولت‌های عضو این میثاق، از جمله دولت‌های مسئول اداره

خودزمینه‌ساز تأمین امنیت و تحقق عدالت است که در آن همه شهروندان یک کشور زندگی آرامی را تجربه کرده و به حقوق عادلانه خود برسند. مهم‌ترین نکته‌ای را که شهید مزاری به عنوان پایان جنگ و استقرار صلح عادلانه در افغانستان بیان کرده است و سخت بر آن تأکید داشته است، تحقق عدالت اجتماعی است که هم پشتوانه دینی دارد، هم قانون اساسی فعلی بر اجرای آن اصرار دارد، هم جامعه جهانی از آن حمایت و پشتیبانی می‌کند و هم مردم افغانستان خواهان اجرا و عملیاتی کردن آن هستند (برهانی، ۱۳۹۸: ۱۸۱)؛ بنابراین، مکانیسم‌های ایجاد صلح عادلانه و پایدار در جوامع انسانی از منظر شهید مزاری، رعایت الزامات حقوقی و سیاسی، مسئولیت‌های مدنی و تعهدات اجتماعی، برای پایبندی به مفاد پیمان‌نامه‌های داخلی و بین‌المللی تحقق صلح را به دنبال داشته‌اند و دارند؛ زیرا پایداری و استقرار صلح پایدار و عادلانه، بدون در نظر داشت اراده جمعی و خرد سیاسی امکان‌پذیر نیست و تطبیق عدالت اجتماعی رکن اصلی و بستری مناسبی برای دوام و استمرار صلح پایدار در جامعه متکثر و متنوع چند قومی یک اصل ضروری می‌باشند.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مفاهیم صلح و امنیت بین‌المللی در گذشته محدود بود و از مرزهای دولت‌ها چندان فراتر نمی‌رفت؛ لذا استقلال و حاکمیت ملی دولت‌ها مهم‌ترین رکن امنیت بین‌المللی تلقی می‌شد. از منظر این دیدگاه، دولت‌ها هم منشأ اصلی تهدید تلقی می‌شدند و هم مسئول برقراری امنیت. تأمین امنیت بین‌المللی نیز منوط به تأمین امنیت ملی بود. در گذشته امنیت بین‌المللی غالباً در حوزه امنیت نظامی تعریف می‌شد، اما امروزه در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی تعریف می‌شود. جهانی شدن سبب تغییر مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی منبعت از نظام وستفالیایی شده است. در این دوره ماهیت تهدیدات تغییر یافته و تهدیدات از جنبه نظامی به حوزه‌های دیگر از جمله فقر و گرسنگی، تروریسم، قاچاق و جرائم سازمان یافته، شیوع بیماری‌های مسری، مهاجرت‌های بی‌رویه، تخریب محیط زیست و

نقض حقوق بشر تسری یافته است؛ بنابراین، دیگر صرفاً دولت‌ها منشأ تهدید تلقی نمی‌شوند بلکه کل جامعه بشری اعم از افراد، نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها ممکن است سبب بروز و متأثر از تهدیدات تلقی شوند.

با وجود این، در رویکرد کانتی بیش ترسخن از پایدار ساختن صلحی است که از جنبه سلبی به آن نگریسته شده است. در نتیجه، در طرح صلح پایدار، این فیلسوف کم‌تر به مقوله صلح ایجابی، به معنی استقرار صلح مبتنی بر عدالت که زمینه‌ساز اخلاق و تربیت انسان‌هاست، توجه کرده است. در نگرش کانت، مناسبتی بین عدالت و صلح جهانی برقرار نشده است، این دو مقوله متمایز از یکدیگر فرض شده‌اند. اگرچه بر تأمین عدالت در درون جامعه، در قالب یک نظام جمهوری و دموکراتیک تأکید شده، ولی صلح جهانی با کم‌ترین ارتباط با عدالت مورد نظر است؛ بنابراین، تحقق صلح عادلانه و پایدار در اندیشه شهید مزاری را می‌توان با در نظر داشتن کرامت انسانی، پذیرفتن مخالفان و داشتن اراده جدی برای آوردن صلح اموری چون: عدالت اجتماعی، انصاف، اندیشه و قضاوت منطقی، رعایت حقوق همه اقوام، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلان، از خود گذری و مدارای اجتماعی دانست. بدون شک، برای رسیدن به صلح عادلانه مدنظر شهید مزاری، موانعی نیز وجود دارد که انکار وجود مخالفان قومی و سیاسی، انحصارطلبی، قوم‌گرایی، تروریسم، تصورات قالبی و مداخله بیگانگان از جمله آن موانع شمرده می‌شود که شهید مزاری بدان اشاره کرده و خطرات آن را یادآوری کرده است. در عین حال، برای رسیدن به صلح راه‌کارهایی وجود دارد که جریان‌سازی گفتمان صلح، فعالیت جامعه مدنی، حکومت‌داری خوب، تداوم گفت‌وگو با مخالفان، خروج نیروهای خارجی و از بین بردن مظاهر بی‌بندوباری و فساد از جمله مهم‌ترین راه‌کارها برای رسیدن به صلح پایدار و عادلانه به حساب می‌آید.

## منابع

۱. دانش، سرور (۱۳۹۴)، حقوق اساسی افغانستان، چاپ

۲. سوم، کابل: انتشارات دانشگاه ابن سینا. دانش، سرور (۱۳۹۸)، متن کامل قوانین اساسی افغانستان (ده قانون اساسی در یک صد سال اخیر)، چاپ اول، کابل: انتشارات بنیاد اندیشه.
۳. بشریه، حسین (۱۳۸۵)، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)، چاپ ششم، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
۴. شفق خواتی، محمد (۱۳۹۸)، چالش‌ها و پیش‌نیازهای صلح پایدار در افغانستان، فصلنامه علمی-تخصصی اندیشه معاصر، سال چهارم، شماره پانزدهم، کابل: انتشارات بنیاد اندیشه.
۵. برهانی، محمدجواد (۱۳۹۸)، مؤلفه‌ها، موانع و راه رسیدن به صلح عادلانه در اندیشه شهید عبدالعلی مزاری، فصلنامه علمی تخصصی اندیشه معاصر، سال چهارم، شماره پانزدهم، کابل: انتشارات بنیاد اندیشه.
۶. میرمحمدی، معصومه سادات (۱۳۹۵)، مقایسه صلح پایدار در اندیشه انسان محور کانت و صلح عادلانه در اندیشه متفکران شیعی، معرفت ادیان، سال دوم، شماره چهارم.
۷. اشرافی، داریوش (۱۳۹۳)، تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره چهل و دوم.
۸. علی بابایی، غلام‌رضا (۱۳۷۷)، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۹. علیزاده، حسین علی (۱۳۹۸)، نشانه شناسی عکس‌های نشر شده در سایت بی‌بی‌سی از سه روز آتش‌بس با گروه طالبان در راستای صلح، فصلنامه علمی-تخصصی اندیشه معاصر، سال چهارم، شماره پانزدهم، کابل، انتشارات بنیاد اندیشه.

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴